

همکاری های قضایی در عرصه بین الملل

در مواجهه با انتقال محکومان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۹/۱۸)

محمدرضا غفاریون اصفهانی

چکیده

استرداد نوعی معاضدت قضائی است که یک دولت، فردی را به منظور انجام تعقیبات قضائی یا اجرای حکم کیفری قطعی و لازم الاجرا به دولت دیگری تسلیم می کند. در گذشته، این نوع معاضدت قضائی بین الدولی اساساً بر پایه دوستی بین دولتها استوار بود ولی، در حال حاضر، بیشتر به منظور همکاری در زمینه مبارزه با بزهکاری بین المللی و تضمین حمایت از حقوق بشر انجام می گیرد. ضرورت کمک به اصلاح شدن مجرم، باب جدیدی از معاضدت بین المللی در امور جزایی را فرا روی دولت ها گشوده است. بدین ترتیب، انتقال زندانی از کشور صادر کننده حکم به کشور متبوع او جهت سپری نمودن دوران محکومیت خود به عنوان یکی از ابزارهای این همکاری دو جانبه به حساب می آید. یکی از موضوعات مهم و پراهمیت حقوق بین الملل در دوران معاصر مسئولیت بین المللی دولت است؛ زیرا که این موضوع رابطه نزدیکی با دیگر حوزه های حقوق بین الملل بویژه مبحث صلح و امنیت بین المللی دارد. بنابراین تبیین دقیق مسئولیت بین المللی دولت و ملزم بودن به آن، موجب توسعه ضمانت اجرای حقوق بین الملل است. بر مسئولیت بین المللی دولت آثاری مفید و ارزشمند مترتب است؛ لزوم جبران خسارت مادی و حتی در مواردی معنوی از زیان دیده نمونه بارز چنین آثاری است. توسعه این نهاد حقوقی سبب تضمین منافع قدرت های کوچک در مقابل قدرت های بزرگ است. به نظر می رسد رسیدگی و پرداختن به ابعاد مختلف این گونه مباحث بدلیل اهمیت فراوانی که در عرصه جهانی دارد می تواند بسیاری از حوزه های ارتباطات بین دولت ها و چالش های حقوقی پیش رو را که در عرصه جهانی مطرح میگردد را مرتفع نماید.

واژگان کلیدی: انتقال محکومان، استرداد مجرمین، همکاری بین المللی، بین الملل، دوران محکومیت

بخش اول: کلیات

بند اول: همکاری بین المللی

واژه همکاری را نخستین بار رابرت اوون انگلیسی در مقابل واژه رقابت بکار برد سپس صاحب نظران و مصلحان اجتماعی این کلمه را با مفاهیم و کارکردهای متفاوتی به کار بستند، تا جایی که مقوله نهضت همکاری و حتی همکاری گرایی^۱ در نظریه های اقتصادی - اجتماعی، بین دولت ها جایگاه ویژه ای یافت. در یک تعریف کلی، مجموعه اقدامات و کنش های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت ها را همکاری بین المللی می گویند.^۲

بند دوم: تاریخچه همکاری در جهان

به طور کلی تاریخچه همکاری دولت ها در جهان را از نظر سیاسی، می توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول از آغاز زندگی اجتماعی انسان شروع می شود و از قرن پانزدهم میلادی به تدریج تحول می پذیرد تا این که به شکل کنونی درمی آید.^۳ دوره دوم با انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه، قرن هیجدهم میلادی شروع می شود که دارای تعریفی مخصوص به دوران خود است، بنابراین دوره اول را عصر تعاون اجتماعی و دوره دوم را اصل تعاون صنعتی یا علمی می نامند. نظریه پردازی درباره همکاری و روابط بین الملل را می توان تا یونان و هند باستان و سپس در قرون وسطی و دوران مدرن (از رنسانس تا دوران روشنگری و بعد از آن) دنبال کرد. البته عده ای که روابط بین الملل را بر اساس روابط میان واحدهای ملی تعریف می کنند، این پدیده و مطالعه آن را به جهان "وستفالیایی"؛ یعنی از سال ۱۶۴۸ به بعد نسبت می دهند. پایه های اساسی روابط بین الملل، بعد از پیدایش سیستم کشوری در اروپا در قرن هفدهم و بعد از قرارداد ۱۶۴۸ وستفاليا ریخته شد و با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ تکامل یافت.^۴ پدیده همکاری بین المللی در دهه سوم قرن بیستم، ابتدا به عنوان یک رشته دانشگاهی در دانشگاه های آمریکا مثل هاروارد و کلمبیا و بعد از جنگ جهانی دوم شکل مشخص تری

^۱ - Cooperatisme

۲ - حسین جمالی، تاریخ و اصول روابط بین المللی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸.

۳ - مهدی طالب، اصول و اندیشه های تعاونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۵.

۴ - علی اصغر محکی، رسانه های جهان گستر و روابط بین الملل، فصلنامه پژوهش و سنجش، تهران، ش ۲۵، ۱۳۸۰، ص ۱۹۰.

به خود گرفت. دانشمندان این رشته چهارچوب‌های مفهومی متفاوت خود را براساس مبانی فرانظری مختلف ارائه کردند. از اواخر دهه ۱۹۳۰، وجود تعارض در دیدگاه‌های نظری در این حوزه مورد توجه قرار گرفت و به یکی از مشخصه‌های پایدار رشته روابط بین‌الملل تبدیل شد.^۱ برخی صاحب‌نظران، که تحت تأثیر متفکران علوم سیاسی و حقوق‌دانها قرار دارند، معتقدند که عناصر نظریه‌پردازی در این رشته، در آثار حقوق‌دانانی چون "گروسیوس"، "پوفندر" و محققانی همچون "اراسموس"، "سالی"، "ماکیاولی"، "هیوم"، "روسو" و یادداشت‌های سیاستمدارانی مثل "بیسمارک" یافت می‌شوند. این‌گونه از روابط (بین‌الملل) تا قبل از جنگ جهانی اول، اغلب بر کادر اروپایی استوار بوده و قدرت‌های تعیین‌کننده جامعه بین‌المللی، دولت‌های بزرگ اروپایی بودند و عمده‌ترین مسائل آن عصر مثل "مستعمرات"، "جنگ و صلح"، "بلوک‌بندی و اتحادیه‌سازی"، "حل و فصل بحران‌ها" و "اقتصاد بین‌الملل" بستگی به اراده آنان داشت، اما بعد از جنگ جهانی اول زوال این ساختار آغاز شد و طی دو دهه، اروپا از دور خارج شد و نظم نوین دیگری بر جامعه بین‌الملل حکمفرما شد. تفاوت روابط بین‌الملل، سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی در این است که روابط بین‌الملل مجموعه اقدامات حکومت‌ها در عرصه بین‌الملل و فعالیت‌های شرکت‌ها و مؤسسات غیردولتی را شامل می‌شود؛ اما سیاست بین‌الملل، به رفتار دولت‌ها و عکس‌العمل یا پاسخ دولت‌های دیگر اشاره دارد و در واقع تنها به عملکرد دولت‌ها محدود است و این در حالی است که سیاست خارجی، دربرگیرنده تصمیم‌های یک دولت در عرصه روابط خارجی است.^۲

بخش دوم: انواع همکاری بین‌المللی

همکاری و روابط بین‌الملل که رشته‌ای از علوم اجتماعی است، شامل روابط موجود بین دولت‌ها و حکومت‌های جامعه بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی است. روابط بین‌المللی که دربردارنده تمامی داد و ستدها و تعاملات بین واحدهای سیاسی (دولتها) و سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات غیردولتی است، را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. روابط موجود سیاسی و خارجی بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جهان؛

۱ - حمیرا مشیرزاده، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱

۲ - عبدالعلی قوام، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۴

۳ - جمالی، منبع پیشین، ص ۲۱۰

۲. روابط موجود اجتماعی، اقتصادی و بازرگانی بین دولتها و سازمان‌های بین‌المللی جهان؛
۳. روابط موجود نظامی و دفاعی بین دولتها و سازمان‌های بین‌المللی جهان؛
۴. روابط موجود فرهنگی بین دولتها و سازمان‌های بین‌المللی جهان؛
۵. روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی بین سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جهان؛
۶. سایر روابط و همکاری‌های متقابل، که بین بازیگران صحنه بین‌المللی موجود بوده یا به وجود می‌آید.

بند اول: عناصر و عوامل همکاری بین‌المللی

همکاری‌های بین‌المللی توسط عناصر و عوامل بین‌المللی به وجود می‌آیند. اهم بازیگران صحنه بین‌الملل که در این جریان نقش دارند از این قرارند:

۱. امپراطوران، پادشاهان، رهبران، رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و سایر مقامات عالی‌رتبه هر کشور، برابر قانون اساسی، با قبول ملت آن سرزمین به عنوان رئیس کشور صاحب اختیار و قدرت مافوق سیاسی و نظامی هستند؛
۲. دولتها و هیئت حاکم که بعد از رئیس کشور، مقامات و مناصب بعدی را دارا هستند؛
۳. سازمان‌های عالی وزارت‌خانه‌ها، مسئولین و مقامات اقتصادی، بازرگانی، سیاسی و دیپلماسی صاحب اختیار و گروه‌های ذی‌نفوذ دول و ملل که عامل اجرایی اراده ملی هر کشور هستند؛
۴. رهبران ادیان و مذاهب؛
۵. سازمان ملل متحد و ارکان اصلی و سازمان‌های وابسته آن؛
۶. شرکت‌های چندملیتی و واحدهای عظیم بازرگانی جهانی و حمل و نقل بین‌المللی.^۱

بند دوم: انگیزه‌های ایجاد همکاری بین‌المللی

برخی از مهم‌ترین انگیزه‌های به وجود آورنده همکاری بین‌المللی که بر اثر اراده و تصمیم عوامل، عناصر و بازیگران صحنه بین‌المللی ناشی می‌شود، را می‌توان اینگونه ذکر کرد:

۱ - حشمت امیری، کلیات روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات هاد، ۱۳۸۹، ص ۱۶-۱۳.

۱. دوقطبی شدن صحنه بین الملل و رقابت های جهانی تسلیحاتی و اتمی دو ابرقدرت (آمریکا و شوروی سابق)؛
۲. ایدئولوژی های مذهبی، سیاسی، نژادی، ناسیونالیزم و مکاتب مختلف سیاسی؛
۳. پیشرفت و توسعه تکنولوژی؛
۴. اتکاء، همبستگی و وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی فرهنگی سازمان ها و دول بین المللی به همدیگر؛
۵. پیشرفت خارق العاده علوم الکترونیک و ارتباطات؛
۶. افزایش عضویت تعداد کشورهای مستقل در سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی؛
۷. ترازد جمعیت کره زمین و عمیق تر شدن شکاف زندگی جوامع بین المللی؛
۸. ایجاد نهضت های آزادی خواه و استقلال طلب در جوامع تحت سلطه؛
۹. توازن قوای سلاح های اتمی دو ابرقدرت و توسعه و پیشرفت تسلیحات نظامی بین قدرت های بزرگ دیگر جهان و ترس متقابل از جنگ جهانی سوم؛
۱۰. وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، جنگ های منطقه ای و سایر اختلافات بین الملل
۱۱. نابرابری های وضع زندگی مردم کشورهای پیشرفته با وضع ناهنجار مردم کشورهای فقیر و عقب مانده.^۱

بخش سوم: عملکرد دولت ها در قبال استرداد مجرمین و انتقال محکومین بند اول: قواعد کلی استرداد

در حالی دولتی صلاحیت کیفری، نسبت به مجرمی را دارد که در قلمرو دولت دیگری باشد، و تنها ابزار حقوقی که می توان بوسیله آن مجرم فراری را در مقابل دادگاه کیفری آن دولت حاضر کرد استرداد است.^۲ استردادو تحویل متهم، از سوی دولتی که متهم در قلمرو آن حضور دارد، به دولت خواهان، استرداد به منظور محاکمه یا اجرای حکم است.^۳ در حال حاضر بر

^۱ - امیری، منبع پیشین، ص ۱۸-۱۷.

^۲ -Freestone ,D.,p.۴۷.

^۳ - Stein ,T., "Extradition ", Encyclopedia of Public International Law (Elsevier Science Publishers B.V, ۱۹۸۵).p۲۲۲.

اساس حقوق بین الملل، دولتها در استرداد مجرمین تکلیفی ندارند و چنین تکلیفی، تنها می تواند از یک معاهده استرداد ناشی شود^۱ معاهدات بین دولت هاست که مقرر می دارند که مرتکبین چه جرائمی، مشمول استرداد هستند و به اصل قرارداد استرداد یا مجازات است که دولتها را به استرداد یا محاکمه مجرمین ملزم می سازد. ^۲ اصول حاکم بر حقوق استرداد بطور معمول دو دسته اند: اصول حقوق داخلی کشور های مربوطه و اصول حقوق بین الملل مندرج در قراردادها، اصول دسته اول ممکن است در قالب یک قانون خاص داخلی و یا تحت عنوان یکی از مواد قانون جزای ملی آورده شود. اصول دسته دوم نیز ممکن است در قراردادهای دو یا چند جانبه مربوط به استرداد آورده شود. در غیر این دو مورد، طبق عرف بین المللی و اصل معامله متقابل عمل می شود. در قراردادهای دیگر مانند قرارداد وین ۱۹۸۸ مربوط به قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و روانگردان، به منظور اجتناب از مشکلاتی که ممکن است در این زمینه مطرح شود، قواعد خاصی به عنوان اصول فرعی راجع به استرداد پیش بینی شده است. برخی از کشورها مانند سوئیس، فرانسه و بلژیک از مدتها پیش، علاوه بر قراردادهای دو یا چند جانبه، اصول کلی استرداد را در قوانین ملی خود گنجانده اند.^۳ دسته ایی از دولت ها بر این نظر اند وجود مجرم یا مراجعت او به کشور شرط رسیدگی نیست و لزوم دفاع از حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و تمامیت اقتصادی کشورها اقتضا دارد تمام اعمالی که به نحوی مضر به مصالح و نظم عمومی و امنیت داخلی و حکومت هستند تحت تعقیب قرار گیرند؛ اعم از این که امکان دسترسی به متهم وجود داشته باشد یا خیر؟ بنابراین دولتی که صلاحیت واقعی خود را اعمال می کند در صورت عدم دسترسی به مرتکب نیز می تواند با اعمال بالقوه مقررات جزایی خویش متهم را غیبا محاکمه نماید و حکم مقتضی را صادر نماید.^۴

^۱ - Ibid.p. ۲۲۳.

^۲ - Baumann, C.E., The Diplomatic Kidnappings - A Revolutionary Tactic of Urban Terrorism (Martinus Nijthoff, ۱۹۷۳).p.۶۲.

^۳ - دورموز ترکان، پیشین، صص ۲۳۲-۲۳۳.

^۴ - زر کلام، ستار، پیشین، ص ۱۲۸.

بخش چهارم: شرایط مربوط به استرداد

بند اول: شرط جرم انگاری متقابل

شرط اولیه استرداد می بایست فعل یا ترک فعلی باشد که بر طبق قوانین دولت متقاضی و دولت متقاضی عنه جرم شناخته شود تا به خاطر آن استرداد انجام گیرد.

۱. امکان انجام تعقیبات کیفری

منظور از آن این است که جرمی که مشمول مرور زمان نشده باشد؛ و شکایت طبق شرایط طرح شده باشد و مجرم از عفو عمومی استفاده نکرده باشد، امکان انجام تعقیبات کیفری وجود دارد. با این حال، در برخی از قراردادهای پیش‌بینی شده که تقاضای بازگرداندن مجرم جریان مرور زمان را معلق می‌سازد. در برخی قراردادهای دیگر، در مواردی که تعقیبات کیفری به شکایت شاکی بستگی دارد، اگر شاکی وجود نداشته باشد استرداد پذیرفته نشده یا امری اختیاری تلقی می‌شود.^۱

۲. شروع به جرم

از لحاظ اعمال مقررات استرداد، شروع به جرم در حکم نفس جرم است. طبق ماده ۷ قانون استرداد مجرمین: «شروع به ارتکاب جرم از لحاظ استرداد، مشمول مقررات مذکور در این قانون خواهد بود» بدیهی است برای شروع به جرم زمانی استرداد قابل پذیرش است که شروع به جرم عمل ارتكابی طبق قانون قابل مجازات باشد.^۲

۳. جرایم غیر قابل استرداد

الف) جرایم و محکومیت‌های کم اهمیت

ب) جرایم سیاسی.

ج) جرایم نظامی.

د) هرگاه طبق قانون ایران یا قانون دولت تقاضاکننده مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب یا مجازات نباشد.

ه) هرگاه جرم ارتكابی به وسیله تبعه ایران انجام شده باشد (عدم تسلیم تبعه)^۳

^۱ - دورموز ترکان، پیشین، ص ۲۳۶.

^۲ - محمود آخوندی، استرداد بزهکاران، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، تابستان ۱۳۷۲، شماره ۸، صص ۹۸-۹۹.

^۳ - به نقل از سایت <http://www.lawnet.ir> مشاهده شده در ۹۳/۴/۴.

برابر قانون ایران و اکثر کشورها هرگاه جرم ارتكابی از جرائم نظامی باشد استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد و طبق ماده پنجم قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت فرانسه: در صورتیکه جرمی علت تقاضای استرداد آن منحصرًا مربوط به نقض تعهدات نظامی باشد استرداد بعمل نخواهد آمد. منظور از جرائم نظامی بزه‌هایی است که افراد نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف خاص نظامی-انتظامی مرتکب میشوند. (مانند بزه‌های موضوع قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۷۱.۲)^۱

۴. شرایط جرائم سیاسی

یکی از بزه‌هایی که مرتکبین آن قابل استرداد نیستند، جرم سیاسی است. طبق سنتی که از قرن‌ها پیش بین دولتها معمول شده، مرتکبین جرائم سیاسی از استرداد مصون می باشند. این روش علاوه بر سنتی بودن، در قراردادهای استرداد مجرمین و نیز در قوانین راجع به استرداد با صراحت قید میشود. (ماده ۵ ق.ا.م. و ماده ۶ ق.ا.م.) به موجب ماده چهارم قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت فرانسه: در صورتیکه جرمی که بعثت آن تقاضای استرداد شده از طرف دولت طرف تقاضا جرم سیاسی یا عمل مربوط به جرم سیاسی تلقی شود استرداد بعمل نخواهد آمد. برخی از دولت‌ها برای تعریف جرم سیاسی «انگیزه» و برخی دیگر «هدف» را مناط اعتبار و تشخیص قرار داده‌اند؛ در هر حال از نظر بین‌المللی هنوز راه و روشی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. قدر مسلم آن است جرائمی که از نظر طبع و هدف سیاسی است قابل استرداد نمی باشد. بعلاوه طبق صراحت قسمت آخر بند ۲ ماده ۸ قانون یاد شده سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد شد.^۲ در قوانین ایران نیز تنها اسمی از جرایم سیاسی و امتیازات آن برده شده، ولی تعریف خاصی از آن نشده است. لذا حقوقدانان ایرانی نیز با الهام از نوشته‌ها و متون خارجی بطور اجمال به این موضوع پرداخته‌اند. در سطح بین‌المللی نیز از مدتها قبل توجه جدی به جرم سیاسی بوده و کنفرانسهایی از سوی مجامع بین‌المللی برای تعیین حدود و ثغور و تعریف جرم سیاسی تشکیل شده است.^۳ در قوانین ایران نیز تحول خاصی نسبت به مجازاتهای مجرمین سیاسی به چشم نمی‌خورد، اگر چه از سال

^۱ - محمود آخوندی، پیشین، ص ۱۰۱.

^۲ - همان، ص ۱۰۰.

^۳ - شمس الدین امیر علانی، مجازات اعدام، تهران، چاپخانه مجلس، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۸۲، صص ۱۰۱ - ۹۷.

۱۲۸۶ هجری شمسی با تصویب متمم قانون اساسی جرایم سیاسی از جرایم عمومی تفکیک شد، ولی در قوانین عادی جرم سیاسی تعریف نشد و مقررات خاصی درباره آنها وضع نگردید. قوانین جزایی قبل از انقلاب برای جرایم سیاسی مجازاتهای متعددی از قبیل اعدام، حبس جنایی درجه یک (از هفت تا پانزده سال)، حبس جنایی درجه دو (از دو تا ده سال)، محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی و مجازات نقدی پیش‌بینی کرده بود.^۱

۵. صلاحیت دولت درخواست کننده استرداد

کشوری میتواند درخواست استرداد مجرمین را بنماید که صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته باشد، بنابراین تقاضا وقتی پذیرفته می‌شود که:

جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضاکننده بوسیله اتباع آن دولت و یا اتباع دولت دیگر واقع شده باشد.

جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده بوسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد. جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت بوسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد، مشروط بر اینکه جرم ارتكابی مضربه مصالح عمومی کشور تقاضاکننده باشد. دقت در بندهای سه گانه ماده ۳ قانون استرداد، به شرح بالا، نشان میدهد که تقاضای دولتی پذیرفته میشود که در محاکمه و یا مجازات متهم نفعی داشته باشد. وقوع جرم در قلمرو حاکمیت دولت تقاضاکننده و یا ارتكاب جرم علیه یکی از اتباع آن کشور و یا علیه مصالح عمومی کشور درخواست کننده میتواند نشانگر ذینفع بودن و توجیه کننده تقاضای استرداد باشد.^۲

۶. زمینه ایجاد استرداد

استرداد یک ضرورت حقوقی برای اجرای عدالت است همچنان که مجازات مجرم بخشی از اجرای عدالت است، مستردنمودن مجرم، فراهم آوردن این بخش از اجرای مجازات به حساب می‌آید. در گذشته این امر شیوه ای بود خاص متهمان سیاسی و وسیله ای بود برای ارضای منافع دولتها و فرونشاندن آتش خشم و انتقام سلاطین. استرداد که در آغاز عملی ناشی از اراده دولت بود به تدریج که جامعه بین المللی به یکدیگر نزدیک می‌شود بر جنبه قضائی و حقوقی

^۱-ر.ک: مواد ۷۰ الی ۹۲ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲، همچنین مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ الی ۳۲۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش، مصوب ۱۳۱۸.

^۲- محمود آخوندی، پیشین، ص ۱۰۲.

ماهیت آن افزوده می شود ولی در وضعیت شکلی آن آثار سیاسی هم مشاهده می شود. به هر حال اینک استرداد جنبه مختلط دارد و دارای جنبه قضایی - اداری و سیاسی است. ولی در اکثر موارد استرداد بخصوص در رابطه با دولت جمهوری اسلامی ایران بیشتر روابط سیاسی ملحوظ نظر است تا اصول قضایی، اغلب اوقات در عمل دولتها در ابتدا مصالح سیاسی و ملی را در نظر گرفته سپس اقدام به استرداد می نمایند.^۱

۷. موارد خاصی که چند دولت حق تقاضای استرداد دارند

گاهی ممکن است چند دولت استرداد مجرمی را تقاضا کنند مانند گروه ابونضال که آمریکا و انگلیس و چند کشور دیگر تقاضای استرداد آن ها را نموده اند. در این حالت یا درخواست ها در رابطه با جرم واحدی است که چند کشور در رابطه با آن مطرح می کنند یا برای جرایم متعدد است. در حالت اول دولتی که جرم در آن واقع شده و دولتی که از جرم مذکور زیان دیده اند در ردیف اول قرار می گیرند. در صورتی که جرایم متعدد باشد دولت مورد تقاضا معمولاً به دولتی که از عمل شخص مورد تقاضا زیان بیشتری دیده است تحویل می شود. در این مورد ماده ۹ ق ۱۳۳۹ مقرر می دارد:

هرگاه چند دولت تقاضای رد جرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی بنمایند مجرم مورد تقاضا به دولتی تسلیم میشود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است و ماده ۱۰ در مورد جرایم متعدد و درخواست استرداد از سوی چند کشور حق تقدم را در نظر گرفته و حق تقدم هم باتوجه به اهمیت جرم محل وقوع و تاریخ درخواست تعیین می شود.

۸. موارد مربوط به جرایم ارتكابی

اصولاً موضوع استرداد مربوط به شخصی است که متهم به ارتکاب جرم است یا در رابطه با ارتکاب جرمی محکومیت یافته است. در قوانین استرداد نوع جرم ارتكابی که در صورت وقوع آن استرداد قابل طرح است از نظر شدت و ضعف و از نظر کیفی مشخص شده است. ماده ۴ ق

^۱ - به نقل از سایت: <http://www.lawnet.ir> مشاهده شده در ۹۳/۴/۴.

استرداد ۱۳۳۹ مقرر می دارد: درخواست رد یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتين ۲ و ۳ فقط درمورد جرایم زیر ممکن است:

- ۱- درمورد هر عملی که طبق مقررات دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنائی باشد.
- ۲- درمورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط براینکه حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد. درمورد کسانی که محکومیت یافته اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیش از دو ماه حبس باشد. درموارد مذکور دراین ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می شود که عمل ارتكابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازاتهای جنائی یا جنحه ای باشد. در موارد کیفیت ارتكاب جرم از سوی شخص مورد درخواست، تکرار جرم و همچنین موارد شروع به جرم پیش بینی و امکان استرداد مطرح شده است. این موضوع یعنی کیفیت جرم ارتكابی در ماده ۲ قانون استرداد پیش بینی شده است. البته در قرارداد با فرانسه شکل فوق پیش بینی شده اما در حبس جنحه ای به جای یک سال دو سال ذکر گردیده است. موضوع قابل بحث در بخش اول مربوط می شود به جرایم سنگینی که مجازات آنها زندان نیست البته دربرخی موارد در درخواست ذکر می شود، جرم ارتكابی از درجه جنائی است دراینجا قاضی کشور درخواست کننده معمولاً متن قانون مربوطه را برای قاضی کشور درخواست شونده ارسال می دارد ولی در برخی موارد جرم جنحه ای است و مجازات آن زندان نیست. قاضی در این موارد به قانون داخلی مراجعه می کند. نکته مهم دیگر عدم وجود مجازات زندان در جرایم سنگین (هم طراز باجنایات) (حذف طبقه بندی جرایم به جنائی و جنحه ای) در قوانین ایران است، این امر عذری برای مقامات قضائی کشورهای مورد درخواست است که نیاز به بررسی های دقیق تری دارد.

بند دوم: شرایط انتقال محکومان

۱. شرایط ماهوی انتقال

از نظر ماهوی وجود چند شرط برای انتقال لازم است که می توان آنها را به شرح زیر برشمرد: جرم بودن عمل مرتکب در کشور اجرا کننده کشوری که حکم محکومیت را اجرا می کند باید عمل منجر به محکومیت را در قوانین خود جرم شناخته باشد زیرا از کشوری که عملی را

مباح می‌داند نمی‌توان انتظار همکاری در به کیفر رساندن مرتکب آن را داشت. بنابر این، شرط مجرمیت مضاعف یا متقابل باید رعایت گردد اما برای تحقق این شرط کافی است که عمل مرتکب در هر دو کشور جرم و قابل مجازات باشد و لازم نیست که عنوان مجرمانه واحدی هم برای عمل مزبور در قوانین دو کشور وجود داشته باشد. پس اگر عمل مرتکب در یکی از دو کشور خیانت در امانت و در کشور دیگر تصرف غیر قانونی در اموال عمومی تلقی شود، شرط مورد بحث تحقق یافته است.

۲. قطعی بودن حکم محکومیت در کشور صادر کننده

هدف از انتقال محکوم علیه به کشور اجرا کننده، اجرای مجازات مقرر در حکم است و بدین لحاظ ضروری است که حکم مذکور شرایط لازم برای اجرا را داشته باشد. بنابر این، حکم صادر شده باید یک حکم قطعی لازم الاجرا باشد یعنی حکمی که طرق عادی اعتراض و شکایت از آن پیموده شده و راهی برای نقض حکم از این طریق باقی نمانده باشد قطعیت یا عدم قطعیت حکم نیز بر طبق قوانین حاکم در محل صدور حکم سنجیده می‌شود نه بر اساس قوانین محل اجرای حکم.

۳. شرایط شکلی انتقال

اصولا انتقال محکومان مستلزم توافق دو دولت طرف قرارداد در هر مورد خاص است و وجود موافقت‌نامه انتقال، آنها را ملزم به قبول انتقال در همه شرایط نمی‌سازد. بنابر این، ممکن است دولت صادر کننده حکم به دلیل بیم احتمال برخورداری محکوم علیه از مساعدت‌های غیر قابل توجیه در کشور خود از انتقال وی خودداری نماید و یا دولت اجرا کننده حکم به دلیل ملاحظات مربوط به نحوه اداره زندان و طبقه‌بندی محکومان تمایلی به این انتقال نداشته باشد. درخواست کتبی انتقال ممکن است توسط هر یک از طرفین به طرف دیگر ارائه گردد و محدودیتی از نظر لزوم تقاضای یکی از آنها بر دیگری وجود ندارد. به ضمیمه این درخواست باید مدارک لازم جهت اثبات شرایط ماهوی انتقال محکوم علیه که پیشتر به آنها اشاره شد نیز ارسال گردد. انتقال یک زندانی از کشوری به کشور دیگر، به ویژه اگر وی عضو باندهای تبهکارانه سازمان یافته باشد یا اینکه این کشورها مرز مشترک با یکدیگر نداشته باشند همواره اقدامی پر مخاطره است و مراقبتی دو چندان را می‌طلبد. همین امر سبب تخصیص نیرو و

امکانات بیشتر برای بالا بردن ضریب امنیت انتقال و در نتیجه موجب افزایش هزینه‌های انتقال نسبت به اعزام ساده یک متهم از بازداشتگاه به دادگاه در داخل یک کشور می‌گردد. پرداخت این هزینه‌ها اصولاً بر عهده کشور اجرا کننده حکم است. با این حال، موافقت‌نامه نمونه سازمان ملل امکان توافق طرفین برخلاف این اصل را پیش‌بینی نموده است و کنوانسیون شورای اروپا صریحاً کشور صادر کننده حکم را مسئول پرداخت هزینه‌های صورت گرفته در خاک خود می‌داند.^۱

۴. طرز رسیدگی به تقاضای استرداد در جمهوری اسلامی ایران

برای رسیدگی به تقاضای استرداد، در جمهوری اسلامی ایران از روش قضائی تبعیت شده است. به موجب ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد. در صورتیکه وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد پرونده امر را به دادگستری شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود که در جلب و بازداشت او اقدام نماید.^۲

بخش پنجم: آثار انتقال محکومان

با اجتماع شرایط ماهوی و انجام تشریفات شکلی، انتقال محکوم علیه به محل جدید او صورت می‌گیرد. این انتقال هم در کشور صادر کننده حکم و هم در کشور اجرا کننده حکم آثاری را به دنبال دارد.

بند اول: آثار انتقال در کشور صادر کننده حکم

انتقال محکوم علیه از کشور صادر کننده حکم، دو اثر در این کشور در پی دارد: نخست آنکه از زمان تحویل گرفتن وی توسط دولت اجرا کننده حکم، اجرای حکم در کشور صادر کننده آن به حالت تعلیق درمی‌آید. این تعلیق موقتی است و زمانی قطعی می‌شود که اجرای حکم در کشور اجرا کننده به پایان برسد. بنابر این، اثر دوم، منع اجرای مجازات توسط کشور صادر کننده حکم به محض اعلام کشور اجرا کننده مبنی بر خاتمه اجرای مجازات است. چنانچه

^۱ - علی خالقی، انتقال محکومان، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۶۴، صص ۱۹-۲۲.

^۲ - محمود آخوندی، پیشین، ص ۱۰۲.

محکوم علیه به کشور اجرا کننده، این کشور اجرای حکم را بر عهده می گیرد. برای این کار، کشور اجرا کننده حکم می تواند به دو طریق عمل نماید. راه اول این است که رأساً یا پس از تنفیذ حکم توسط یکی از دادگاه های ملی، اجرای همان مجازات مورد حکم در کشور صادر کننده را ارائه دهد. با این حال، چنانچه مجازات مقرر توسط دادگاه کشور صادر کننده حکم از نظر درجه یا مدت با مجازات پیش بینی شده در قوانین کشور اجرا کننده حاکم سازگار نباشد، این کشور می تواند با حکم دادگاه خود، مجازات مزبور را با مجازات وضع شده در قوانین خود برای همان عمل منطبق نماید. راه دوم این است که کشور اجرا کننده حکم ابتدا به وسیله دادگاه ملی خویش، مجازات مقرر در حکم را به مجازات دیگری که قوانین خود برای همان جرم پیش بینی نموده، تبدیل و سپس اجرا نماید، بدون اینکه مجاز به تبدیل کیفر سالب آزادی مقرر به جزای نقدی باشد. هر یک از دو روش فوق که اتخاذ شود، در هر حال مدت مجازات سپری شده در کشور صادر کننده حکم از مدت مقرر در حکم کاسته خواهد شد. اجرای مجازات نیز تابع قوانین کشور اجرا کننده حکم است و تدابیری مانند آزادی مشروط مطابق با قوانین این کشور اتخاذ می گردد. در مقابل، اعاده دادرسی و نقض حکم منحصر در اختیار کشور صادر کننده حکم قرار دارد. عفو عمومی و عفو خصوصی اقداماتی هستند که مقامات هر یک از دو کشور می توانند در مورد محکوم علیه اتخاذ نمایند. نکات فوق، آثاری است که انتقال محکوم علیه بر حاکم محکومیت وی بر جای می گذارد. اما این انتقال، آثار عمیقی نیز بر قواعد سنتی حقوق جزا در مورد اعتبار احکام کیفری خارجی بر جای می گذارد که چنانچه ایران در اجرای موافقت نامه های مربوط به انتقال محکومان با دیگر کشورها، اقدام به آن نماید، لازم است که این آثار در کشورمان مورد بررسی قرار گیرد.

بند دوم: تأثیر انتقال محکومان در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی

در سال های اخیر، دولت ایران با درک ضرورت توسعه همکاری های قضایی با دیگر کشورها اقدام به انعقاد موافقت نامه دو جانبه با برخی از آنها نموده است. این کشورها عمدتاً کشورهایی هستند که یا به دلیل نزدیکی جغرافیایی با ایران و یا به دلیل برخورداری از جاذبه های گردشگری یا زیارتی، همه ساله پذیرای شمار قابل توجهی از هموطنانمان هستند و از این رو همکاری در حل مشکلات قضایی این افراد و کسانی که از این کشورها به ایران سفر می کنند

مورد توجه و علاقه خاص طرفین قرار گرفته است. دادگاهها و دادسراها در مواردی که از فرار مجرمین به خارج از کشور مطلع می شوند، با تکمیل فرم درخواست استرداد یا تحقیق، می توانند ردیابی و شناسائی مجرم یا مجرمین فراری را مستقیماً از پلیس بین الملل ناجا درخواست نمایند و رونوشت درخواست را جهت پیگیری به اداره کل اموربین الملل قوه قضائیه ارسال نمایند. در مواردی که استرداد مجرم یا مجرمین از کشور خارجی مورد تقاضا باشد در صورت وجود قرار داد دوجانبه، دادسراها یا دادگاهها با استناد و مطابق مفاد قرارداد و در غیر این صورت تقاضای خود را بر اساس «درخواست همکاری متقابل» به دفتر اموربین الملل قوه قضائیه منعکس می نمایند. در صورت اقتضا مرجع قضائی قبل از تنظیم درخواست استرداد و یا همزمان می تواند علاوه بر درخواست ردیابی و شناسائی، از پلیس بین الملل تقاضای دستگیری مجرم را نیز بعمل آورد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت تعهد به همکاری دولتها در حوزه های مختلف حقوق بین الملل، از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشند بطوریکه حتی به هنگام بروز اختلافات بین المللی نیز بر اساس ماده ۳۳ منشور ملل متحد، طرفهای اختلاف ملزم به انجام سطح خاصی از همکاری می باشند. همکاری دولتها در حقوق بین الملل کیفری به دلیل حساسیت های خاص حاکمیتها نسبت به صلاحیتهای ویژه مورد شناسائی در این شاخه از حقوق بین الملل، از موضوعات اساسی و در عین حال چالش برانگیزی است که در جریان تعاملات بین الدول و بین المللی دولتها مورد توجه حاکمیتها قرار می گیرند. تلاش های نظری بسیاری برای توضیح منظم و قانون مند همکاری در روابط بین الملل صورت گرفته است. اما هیچ نظریه عمومی واحدی در زمینه همکاری بین المللی وجود ندارد که مورد پذیرش همه اندیشمندان و سیاست گذاران باشد. هر کسی به فراخور چارچوب نظری، جهان بینی، ارزش ها، گفتمان و تلقی و تصور متفاوتی که از واقعیت جامعه و روابط بین الملل دارد، به این موضوع می نگرند. در باب جرایم بین المللی باید اذعان داشت که از آنجا که جرم پدیده ای مغایر نظم عمومی و تهدیدی بر منافع تمام اعضای جامعه است، مبارزه مؤثر با آن نیز در گرو مشارکت و همکاری عموم جامعه نهفته است. دستگاههای پلیسی و امنیتی هر کشور، به هر اندازه هم که

پیشرفته و دقیق باشند، از همکاری عموم جامعه در مبارزه با جرایم بی‌نیاز نخواهند بود. صور مختلف این همکاری در مرحله پیشگیری، کشف و اعلام جرم، و نیز امتناع از امحاء و اختفای آثار و یا مرتکبان جرم در قوانین کیفری کشورها (حقوق جزای شکلی و ماهوی) مشخص شده است.

منابع و مآخذ

الف - کتاب

۱. بی، هاس، ارنست، «مطالعه همگرایی منطقه ای: تأملاتی در باب شادکامی ها و تلخ کامی های پیش نظریه سازی» جامعه و همکاری در روابط بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۵.
۲. پورنوری، منصور، صلاحیت دادسرا و دادگاههای عمومی و مصونیت قضایی دیپلماتیک و کنسولی، سایت قضاوت، ۱۳۸۴.
۳. جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین المللی، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵.
۴. حسینی نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین الملل، تهران، انتشارات: نشر میزان، ۱۳۷۳.
۵. حمیرا مشیرزاده، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۶. زر کلام، ستار، تعارض قوانین جزایی در مکان، رسالهء کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۷. ساولانی، اسماعیل، جزوه حقوق جزای عمومی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۸. سلیمی، صادق، چکیده حقوق جزایی عمومی، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و دوم، سال ۱۳۸۴.
۱۰. طالب، مهدی، اصول و اندیشه های تعاونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۱۱. طیب، علیرضا، تهران، دیدگاه هایی درباره سیاست جهان / گروهی از نویسندگان؛ با ویرایش ریچارد لیتل و مایکل اسمیت، ۱۳۸۹.
۱۲. عباسی، محمود، استرداد مجرمین، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۳.

۱۳. عبدالکواد، الیزابت، دیوان بین المللی دادگستری و حق جبران بزه دیدگان ناشی از دیوار حائل اسرائیل، ترجم: سلمان عمرانی، سایت دیپارتمان مجازی پژوهش های حقوقی ایران، ۱۳۸۶.
۱۴. عبدالله خانی، علی، نظریه های امنیت: مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۱۵. عسگرخانی، ابومحمد، رژیم های بین المللی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ سوم، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲.
۱۷. قاسمی، فرهاد، جایگاه گفتمان امنیت در جدال های پارادایمی روابط بین الملل: واقع گرایی گفتمان امنیت ملی، تهران: مؤسسه مطالعات سیاسی و فرهنگی اندیشه ناب، ۱۳۷۹.
۱۸. کوشا، جعفر، و ساعد، نادر، صورت بندی تروریسم در نگاه حقوقی: دستاویزها و چشم انداز در تروریسم و حقوق بشر، تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.
۱۹. کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، مسئولیت بین المللی دولت و حمایت سیاسی، مترجم: نصرت الله حلمی، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۷.
۲۰. گریکو، ژوزف ام، «اقتدارگرایی و محدودیت های همکاری: نقدی واقع گرا از نوترین نهادگرایی لیبرال» جامعه و همکاری در روابط بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
۲۱. مستقیمی، بهرام، طارم سری مسعود، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران (زیر نظر جمشید ممتاز) انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول سال ۱۳۷۷.
۲۲. میرمحمد صادقی، حسین، صلاحیت دولتها و رسیدگی به جرایم بین المللی، سایت معاونت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۲.

۲۳. ونت، الکساندر، «اقتدارگرایی چیزی است که دولت ها خودشان می فهمند»، جامعه و همکاری در روابط بین الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.
۲۴. ویلکن، پیتز، اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

ب- مقالات

۱. بریسک، آلیسون "حقوق بشر و ناامنی"، در: بررسی تطبیقی امنیت ملی و حقوق بشر در جوامع مختلف، ترجمه عسگر قهرمان پوربناب، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۲. بشردوستانه، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۸۳.
۳. گلدوزیان، ایرج و پیمان نمایان، "راهبرد حقوق بین الملل کیفری در مواجهه با تروریسم"، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷، ۱۳۸۹).
۴. نمایان، پیمان، مبارزه با تروریسم؛ راهبردی مؤثر در تحقق صلح عادلانه جهانی، مقاله ۴، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۹۱.

ج- پایان نامه

۱. فاطمی شریعت پناهی، سید کاظم، رساله پایان نامه دکتری، استرداد مجرمین، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

ه- منابع لاتین

۱. A. smith, The wealth of Nations (chicago university press, chicago, ۱۹۷۶)
۲. Bassiouni, M., International Extradition and World Public Order, (Sijthoff Oceana ۱۹۷۴)
۳. c. Geertz, The Interpretation of cultures (Basic Books, New york, ۱۹۷۳)

۴. c. Lindblom, The Intelligence of Democracy (Free press, New York, ۱۹۶۵)
۵. k. waltz, Man , The state and war (columbia university press, ۱۹۵۹)
۶. Kenneth Waltz ,Man, the State and War ,Columbia University Press, ۱۹۵۴
۷. Kenneth Waltz ,Theory of International Politics ,New York: Addison Wesley Publishing Company, ۱۹۹۸
۸. Lindblom, The Intelligence of Democracy
۹. McCarthy, J. G. , "The Passive Personality Principle and its Use in Combating Fordham International Terrorism" ۱۳ Fordham International Law Journal ۱۹۸۹-۱۹۹۰.